

بررسی اقتصاد در آیین رفتار و گفتار امام رضا(ع)

سیدجلال موسوی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۹

چکیده

دین مبین اسلام، در راستای نیل آدمی به کمال، به امور مختلف او توجه بسیاری کرده است. اقتصاد و مباحث مرتبط با آن یکی از این امور مهم است که تبیین و ترسیم آن، در قرآن کریم و سیره پیشوایان دینی(ع)، نمود گسترده‌ای دارد. با توجه به پیدایش مکاتب مختلف اقتصادی، که عمدتاً مبتنی بر اصالت سرمایه و سود هستند، امروزه توجه به این نوع مباحث در دین اسلام بیش از همیشه ضروریست. بنابراین در این مقاله مباحث اقتصادی در سیره امام رضا(ع) بررسی شده است. طبق بررسی‌ها، امام رضا(ع) از یک سو با تبیین ضرورت کار، اعتدال در معیشت و ساده‌زیستی، و از سوی دیگر با هشدار نسبت به اسراف، همگان را از عواقب ثروت‌اندوزی برحذر داشته‌اند. در این راستا ایشان با ذکر خانواده و نیازمندان به عنوان محل‌های مناسب برای مصرف درآمد، الگویی از مصرف را ترسیم کرده‌اند که عمل به آن در عصر رواج مصرف‌گرایی، کمالی را که اسلام برای فرد و جامعه در نظر دارد محقق می‌کند.

واژگان کلیدی: امام رضا(ع)، اقتصاد، اسلام، ثروت، مصرف.

طبقه‌بندی JEL: z12

مقدمه

هر جامعه‌ای در واقع متشکل از مجموعه‌ای از نظام‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره است. این نظام‌ها اندام‌وار با یکدیگر تعامل می‌کنند و به انسجام و تداوم حیات اجتماعی در هر جامعه منجر می‌شوند. یکی از با سابقه‌ترین و موثرترین نظام‌ها در هر جامعه‌ای، نظام اقتصادی است. منظور از نظام اقتصادی «مجموعه مرتبط و منظم عناصری است که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف، برای کسب بیشترین موفقیت، فعالیت می‌کند» (نمازی، ۱۳۸۲: ۲۹). طبعاً کیفیت و کمیت چنین نظامی در جوامع گوناگون و در گستره تاریخ طولانی حیات بشری یکسان نبوده است اما آنچه آشکار است این است که از یکسو نظام مذکور از گذشته دور به اشکال مختلف در همه جوامع موجود بوده و بخش اعظمی از مناسبات انسانی را تشکیل می‌داده است از سوی دیگر نیز شکوفایی جوامع و نیل آن‌ها به تمدن شکوهمند بدون نظام اقتصادی پویا ممکن نبوده است. بنابراین اقتصاد و بررسی تلقیات هر جامعه و هر مکتبی از آن، اهمیت بسیاری دارد و بدون توجه به این مفهوم، ماهیت جوامع، و تحولات آن‌ها در طول تاریخ به صورت کامل آشکار نمی‌شود.

در راستای تبیین نظام‌های موجود در اجتماع نمی‌توان منشأ شکل‌گیری آن‌ها را نادیده گرفت. می‌توان گفت منابع پیدایش نظام‌های مختلف اجتماعی، از جمله نظام اقتصادی، مختلف و متعدد است. تجربه‌های مشترک بشری در قالب عقل جمعی، یافته‌های نوابغ، و عوامل پیدا و پنهان بسیار دیگری هر یک در شکل دهی به این نظام‌ها مؤثر بوده‌اند. در میان این عوامل، مکاتب و ادیان الهی نیز همواره سهم گسترده‌ای در عرضه نظام‌ها داشته‌اند. بشر از گذشته دور تاکنون براساس چارچوب‌های متمدنی‌ای که مکاتب آسمانی تعریف و تدوین کرده‌اند، امور گوناگون خود را سازمان‌دهی کرده و به مراتب مهمی از تمدن و فرهنگ نایل شده است. دین مبین اسلام نیز که به همه ابعاد فردی و اجتماعی حیات بشر عنایت دارد، به نظام‌های اجتماعی به ویژه اقتصاد، و مناسبات و مفاهیم آن توجه ویژه ابراز کرده است^۱، تا جایی که طبق آیه شریفه «أَمْوَالُکُمْ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا» (نساء/ ۵) سرمایه و ثروت که از مفاهیم پایه‌ای اقتصاد است در آن، «قوام» خوانده شده است؛ امری که خود به تنهایی و بدون در نظر گرفتن دیگر تعالیم اسلامی، حاکی از اهمیت بسیار اقتصاد در دین اسلام و جامعه مسلمانان است.

۱. برای مطالعه بیشتر درباره نظام‌مندی اقتصاد اسلامی ر.ک. هادوی‌نیا، علی اصغر، «نظریه نظام‌مندی معرفت‌های مکاتب اقتصادی (مطالعه موردی اقتصاد کلاسیک و اقتصاد اسلامی)»، فصلنامه علمی، پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۹، ص ۳۳-۶۰.

این توجه ویژه به اقتصاد، در قرآن کریم به انحای مختلف مطرح و ابراز شده و در واقع این کتاب آسمانی به نحو بارزی دیدگاه‌های اقتصادی اسلام را بیان کرده است. علاوه بر قرآن کریم، ترسیم مفصل مناسبات و مفاهیم اقتصادی اسلام در سیره عملی و نظری پیشوایان دین اسلام نیز صورت گرفته است. از آن جا که پیشوایان هر دینی، مروجان و معرفان همه جانبه و عمیق آن دین هستند، پیشوایان دین اسلام نیز به ترسیم و تعریف همه جانبه آموزه‌های گوناگون دین اسلام از جمله امور اقتصادی آن پرداخته‌اند. بر این اساس و راستای تبیین و ترسیم بهتر و بیشتر چارچوب‌ها و دیدگاه‌های اقتصادی اسلام، در این مقاله اقتصاد در آیینه رفتار و گفتار حضرت ثامن الحجج، امام علی بن موسی الرضا(ع) بررسی می‌شود تا از یک سو جایگاه دیدگاه‌های اقتصادی اسلام در عصر غلبه مکاتب اقتصادی عمدتاً سرمایه‌مدار و سودمحور تبیین شود و از سوی دیگر از سر این تبیین، راه برای نیل به اهداف متعالی تعلیم آن حضرت در همه ابعاد از جمله در بعد اقتصادی هموارتر شود. این بررسی به شیوه کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی، تطبیقی صورت گرفته است، به این معنی که ضمن ذکر بیانات و رفتارهای اقتصادی امام رضا(ع) از منابع گوناگون روایی، برای ترسیم همسویی همه جانبه رفتار و گفتار اقتصادی ایشان با دیدگاه‌های اقتصادی اسلام، شواهدی از آیات قرآن و کلام حضرت علی (ع)، ذکر شده است تا تصویری جامع‌تر از دیدگاه‌های اقتصادی اسلام به دست داده شود. توصیف و تطبیق مذکور، براساس مطالب منابع دربردارنده سیره عملی و نظری امام رضا(ع)، در قالب پنج بخش ضرورت کار و تحصیل درآمد، جایگاه مال و ثروت و نحوه برخورداری از آن، نحوه کسب درآمد، بایدها و نبایدهای مصرف درآمد، و محل‌های صرف درآمد، ترسیم شده است که ذیلاً بتفصیل بحث و بررسی می‌شود.^۱

۱. بنا بر وجود آموزه‌های و مفاهیم گوناگون اقتصادی در اسلام، تحقیقات متعددی درباره اقتصاد اسلامی صورت گرفته است. طبق یکی از ارزشمندترین بررسی‌ها که شهید صدر در کتاب «اقتصاد ما» صورت داده، بارزترین وجه اقتصاد اسلامی جنبه «مکتبی» آن است؛ به این معنا که در نظام اقتصادی اسلام عرضه روش‌های عادلانه و تلاش برای برطرف کردن اجحاف در فعالیت‌های اقتصادی، کمال مطلوب محسوب می‌شود (نک: صدر، ۱۳۶۹: ص ۳۵). از این رو طبق تلقی دین مبین اسلام، مشکل اصلی در اقتصاد، نبود منابع ثروت نظیر معادن و ذخایر زیرزمینی نیست بلکه معضل اساسی ناهنجاری‌های ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت و اسراف و تبذیر در بهره‌گیری از نعمات خدادادی است (نک: همان: ۳۰۸). این که قرآن کریم در آیه شریفه «الَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفُضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبِشْرِهِمْ بِعَذَابِ الْيَمِّ» (توبه/۳۴)، انباشت‌کنندگان ثروت را به عذاب الیم بشارت می‌دهد و در آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...» (نساء/۲۹)، از تصرف نامشروع اموال نهی می‌کند، همگی ناظر به همین کمال مطلوب در اقتصاد اسلامی است که به آن اشاره شد. علاوه بر آیات مذکور، آیات و روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد که مؤید این رویکرد خاص اسلام به اقتصاد است و بی‌شک براساس این شواهد بی‌شمار می‌توان اسلام را، دین مروج عدالت اقتصادی و نفی‌کننده نابرابری دانست. بنابراین هر جامعه‌ای که مبتنی برتعالیم اسلامی باشد،

۱- ضرورت کار و تحصیل در آمد از دیدگاه امام رضا(ع)

بدیهی است که بدون فعالیت و کوشش مناسب، تولید و به طبع آن توزیع و مصرف مناسب در جامعه صورت نمی‌گیرد و چرخ‌های اقتصادی در آن به حرکت در نمی‌آید. اسلام دین رهبانیت و گوشه‌نشینی نیست تا فعالیتی در آن صورت نگیرد، بلکه در تعلیم متعدد این دین مبین، به کار و برآورد نیازهای انسان توجه بسیار شده، به طوری که کسب روزی از واجبات دانسته شده است؛ رسول خدا (ص) می‌فرماید: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٌ»؛ یعنی تلاش برای به دست آوردن درآمد حلال، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰: ۹). این کلام رسول خدا ضمن تصریح به وجوب کسب‌روزی، جنبه «همگانی» کوشش برای کسب را نیز آشکار می‌کند، یعنی طبق این کلام مبارک نبوی، زن و مرد باید هر دو برای کسب روزی بکوشند. شک نیست در جامعه‌ای که زن و مرد، هر دو برای کسب روزی فعالیت کنند، آن جامعه، جامعه‌ای پویا و فعال خواهد بود و در آن، تولید و خودبستگی به نحو مطلوب شکل خواهد گرفت. نکته دیگری که از این سخن حضرت رسول برمی‌آید نظام‌مندی و چارچوب داشتن فعالیت‌های اقتصادی در اسلام است. حضرت بر «روزی حلال» تأکید کرده و بدین‌ترتیب راه را بردرآمد و فعالیت‌های نامشروع بسته است. کسب روزی از راه‌های مشروع از اصول مهم اقتصاد اسلامی است که قرآن کریم نیز بر آن تأکید کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»؛ ای مردم! از آن‌چه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست (بقره/۱۶۸).

بی‌چون و چرا رویکرد مذکور خط مشی اصلی آن خواهد بود. این دعوی به راحتی با نظر به برخی از اصول قانون اساسی کشور ما، که مطابق تعلیم اسلامی تدوین شده، اثبات شدنی است. مثلاً اصل ۴۳ قانون اساسی از این نمونه است. این اصل ناظر به «تأمین نیازهای اساسی» است، و در آن از «مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداوم ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد... منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات» سخن رفته است که آشکارا مبین رویکرد عدالت‌محور اقتصادی اسلامی و نفی اسراف و تبذیر در آن است. برای مطالعه بیشتر درباره عدالت‌محوری اقتصاد اسلامی ر.ک. توتونچیان، ایرج و حسین عیوضلو، «کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷، پاییز و زمستان ۷۹، ص ۹۷-۱۳۲.

در راستای تعالیم اسلامی مذکور، امام رضا(ع) نیز به انحای مختلف به ضرورت کار و کسب درآمد اشاره کرده‌اند. اشارات امام در این باره گاه صریح و گاه غیرمستقیم است. امام با ذکر حدیث قدسی «ای احمد، عبادت ده قسمت است که نه قسمت آن کسب روزی حلال است پس هر گاه غذا و نوشیدنی خود را پاک ساختی و از راه حلال بدست آوردی، تو در حمایت من هستی» (قمی، بی‌تا، ج ۲: ۳۳۰)، اهمیت بسیار کسب روزی حلال را به صراحت تمام بیان فرموده‌اند. همچنین ایشان با بیان این که «کسی که برای رفع نیازمندی خانواده کار و تلاش می‌کند و به دنبال کسب مال می‌رود، دارای پاداشی بزرگتر از مجاهد در راه خداوند است» (کلینی، ۱۳۶۲ق، ج ۴: ۸۹)، باز بر جایگاه کار و کوشش به نحوی بارز تأکید کرده‌اند. اهمیت کار و کوشش تا آن جاست که به نظر حضرت، توقع موفقیت بدون کوشش، مضحک و به معنی تحقیر خود است: «من سأل التوفیق و لم یجتهد فقد استهزء بنفسه»؛ کسی که توفیق از خداوند بخواهد ولی کوشش نکند خود را مورد استهزاء قرار داده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ۳۵۶). به همین دلیل به فرموده ایشان «مردم ناگزیرند در تلاش زندگی خویش باشند، [و] کوشش در راه کسب مال» نباید به هیچ روی رها شود (حکیمی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۲۰). علاوه بر این اشارات صریح، حضرت با تقبیح فقر و برشمردن پیامدهای مذموم آن در حدیث «المسکنة مفتاح البؤس»، بینوایی و فقر را کلید بدبختی و بیچارگی می‌دانند (مجلسی، همان، ج ۷۵: ۲۶۰) و به نحوی غیرمستقیم به ضرورت اقدام به کسب روزی اشاره کرده‌اند. در راستای این نوع اشارات غیرمستقیم به ضرورت کار و کسب روزی، حضرت دست نیاز به سوی دیگران بردن را عامل فقر و تنگدستی ذکر کرده‌اند (همان، ج ۹۳: ۱۵۷) و با ذکر این حدیث که «خداوند، پرخواهشی را دشمن می‌دارد» (حرانی، ۱۳۸۲: ۴۴۳) بر مناعت طبع و برآورد نیازها از راه سعی و تلاش تأکید کرده‌اند. علاوه بر سخنان امام رضا(ع) درباره ضرورت کار و کسب روزی، سیره عملی آن حضرت نیز در بردارنده مصادیقی از کار و تلاش عملی ایشان است. امام(ع) در کسوت امامت مسئولیت‌های سنگین بسیاری داشت، اما با وجود این امر، از هر فرصتی که پیش می‌آمد برای کارهای عملی استفاده می‌کردند. نقل است حضرت در سفر خود به خراسان، در محله‌ای از محلات نیشابور، حمام و حوضی عمومی بنا کردند و در همین شهر در خانه پیر زنی نهال غرس کردند (نک: عطاردی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۸). همچنین نقل شده است ایشان برای تأمین مایحتاج، شخصاً راهی بازار می‌شدند و لوازم روزانه زندگی خود را تهیه می‌کردند (نک: ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۲۰۵). همه این موارد حاکی از این است که آنچه امام، در «نظر» فرموده‌اند در «عمل» ایشان نیز محقق می‌شده است و شخص ایشان فقط در مقام موعظه و پند، آمر به کار و کسب نبوده‌اند بلکه در میدان عمل نیز علی‌رغم داشتن شأن والا، به امور عملی در حد فرصت می‌پرداختند.

۲- جایگاه ثروت و نحوه برخورداری از آن در نظر امام رضا(ع)

در اهمیت ثروت و دارایی در علم اقتصاد، همین بس که طبق گفته یکی از اقتصاددانان بزرگ، عمده‌ترین تعاریف در علم اقتصاد، دربارهٔ ثروت به لحاظ چگونگی تولید، توزیع و مصرف آن صورت گرفته است (نک: ساموئلسن و نوردهاوس، ۱۳۸۴، ج ۱: ۶). از این رو ثروت و مالکیت از مفاهیم اصلی علم اقتصاد است و نحوه نگرش هر مکتب و مسلکی به این مفاهیم، بخش وسیعی از تلقی‌ات اقتصادی آن را در بردارد. بنا بر تعالیم اسلامی هر چند انسان با کار و کوشش صاحب درآمد و ثروت می‌شود، در واقع مالک و صاحب واقعی خداست و انسان به صورت موقتی و صوری در مقام مالک و صاحب قرار دارد. طبق فرمایش امام رضا(ع) در حدیث «إِذْ كَانَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَالِكَ لِلنَّفُوسِ وَالْأَمْوَالِ وَ سَائِرِ الْأَشْيَاءِ، الْمَلِكُ الْحَقِيقِيَّ وَ كَانَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ عَوَارِيَّ»؛ خداوند مالک حقیقی مردمان و اموال و دیگر چیزهاست و آنچه در دست مردم است، عاریت است (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۵۵۲). بر این اساس، باید گفت صاحب نعمت و ثروت، در این دنیا امانتی در دست دارد که دیر یا زود آن را باید باز پس دهد. اما مطلب به همین جا ختم نمی‌شود بلکه به مانند هر دارنده امانت، صاحب نعمت وظایفی دارد که باید در قبال خداوند نعمت‌بخش ادا کند. امام رضا(ع) در گفتگوی خود با بنظلی به وجود این وظایف اشاره کرده‌اند. امام خطاب به بنظلی می‌فرمایند «دارندهٔ نعمت در آزمون بزرگی است زیرا خداوند حقوق خود را در نعمتی که به او داده واجب ساخته است. به خدا سوگند نعمت‌هایی از خداوند عزوجل نزد من است و من پیوسته از این بابت بیمناکم تا آن‌گاه که حقوقی را که خداوند بر من واجب ساخته است ادا کرده باشم» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۵۰۲). بنظلی بعد از ملاحظه این بیمناکی امام، از ایشان می‌پرسند «فدایت شوم تو با این جلالت از این بیم داری؟» امام در پاسخ می‌فرمایند: «بلی ستایش می‌کنم پروردگارم را بر آنچه که بر من منت نهاده است» (همان‌جا).

با وجود این واقعیات، انسان در تعالیم اسلامی از برخورداری از نعمات الهی برحذر داشته نشده است. بر این اساس، قرآن مجید مسیحیان را به سبب رهبانیت نکوهیده و رهبانیت ایشان را در آیه شریفه «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ...» (حدید/۵۷)؛ ساخته و پرداخته خود آن‌ها دانسته است. در همین راستا قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره مبارکه اعراف، منع از نعائم الهی را مذموم دانسته است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؛ بگو ای پیامبر، چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان آفریده حرام کرده و از صرف روزی حلال منع کرده است». بنابراین برخورداری مشروع و تحصیل رزق حلال، نه تنها از نظر قرآن مذموم نیست، بلکه بازدارندگان از آن، مورد عتاب و خطاب نیز هستند. امام رضا(ع) نیز در راستای چنین آموزه‌هایی، در حدیث «اجْعَلُوا لِنَفْسِكُمْ حَقًّا مِنَ الدُّنْيَا بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ مَا لَمْ تَثْلُمِ الْمَرْوَةَ؛ تا آن جا

که به مروت‌تان لطمه‌ای وارد نسازد و به اسراف نیانجامد از خواستنی‌های این دنیا برای خود بهره بگیرد» (نوری، بی‌تا، ج ۸: ۲۲۳)، پرهیزهای بی‌دلیل را بی‌محل دانسته و برخورداری از نعمات الهی را در حدود مشروع خود طبیعی و بهنجار قلمداد کرده‌اند.

بنا بر چنین رویکردی در برخی روایات، به استفاده آن حضرت از فرش‌های پشمی و موئین اشاره شده است (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۸۹). با وجود این آموزه‌ها، اسلام باز بر میانه‌روی در برخورداری تأکید بسیار کرده و از عنان گسیختگی در برخورداری و کسب ثروت برحذر داشته است. قرآن کریم در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (مائده/۵)، ضمن ترغیب مؤمنان به استفاده از نعمت‌های حلال الهی، آشکارا از آن‌ها می‌خواهد حد اعتدال را نگه دارند. قرآن کریم در ترویج میانه‌روی نه تنها از پرهیزهای بی‌مورد برحذر می‌دارد، بلکه افراط را نیز عامل هلاک می‌داند: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيبَةٍ بِطَرَفٍ مَعِيشَتِهَا» (قصص/۵۸). در راستای تبیین این گونه پیامدهای ثروت‌اندوزی، امام رضا(ع) درگفتار خود، به زمینه‌های ثروت‌اندوزی اشاره کرده‌اند تا قبح این امر در اقتصاد اسلامی بیش از پیش نمود پیدا کند. برطبق نقل محمد بن اسماعیل بن بزيع از امام رضا(ع)، ثروت انباشته نمی‌شود مگر به بخل شدید، آرزوی طولانی، حرص زیاد و غلبه کننده، قطع رحم و ترجیح دادن دنیا بر آخرت (نک: حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۵۶۱). بنابراین اگرچه امام(ع) برخورداری از نعمات الهی را منع نکرده‌اند اما ثروت‌اندوزی و افراط را نهی فرموده و از آن برحذر داشته‌اند.^۱ همچنین در راستای پرهیز از تفریط و رعایت اعتدال، اگرچه لباس‌های ایشان «از جامه‌های زیر و درشت بود، [اما] چون از منزل خود پیش مردم می‌آمد، خود را مزین می‌ساخت» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۵۱۷).

۳- نحوه کسب درآمد از نظر امام رضا(ع)

همان‌طور که پیشتر در ذیل عنوان «ضرورت کار و کسب درآمد از نظر امام رضا(ع)»، اشاره شد، فعالیت‌های اقتصادی در اسلام، نظام‌مند و دارای چارچوب‌های معین است. اسلام در مقام مکتب، برای همه امور فردی و اجتماعی، قواعد و مقرراتی دارد که در این میان، عموم فعالیت‌های اقتصادی از جمله نحوه کسب را هم در برمی‌گیرد. این قواعد و چارچوب‌ها که در قالب مفاهیمی همچون حلال و حرام ترسیم شده، دایره گسترده‌ای دارد. یکی از این چارچوب‌ها، که از خطوط قرمز اسلام در معامله و تجارت محسوب می‌شود، پدیده ربا است. ربا در لغت به معنی افزونی و زیادی است (نک: انیس و منتصر، ۱۳۶۷: ۳۲۶) و در اصطلاح فقهی نیز معنی آن کم و بیش ناظر به همین

۱. درباره مضرات ثروت‌اندوزی و نحوه تعدیل آن در اسلام رک. مستقیمی، مهدیه سادات، «تعدیل ثروت در جامعه اسلامی»، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۴، ۱۳۸۰.

«زیادی» است با این توضیح که در این جا ربا به دو نوع معاملی و قرضی تقسیم می‌شود. اگر مبادله دو جنس مشابه با «زیادی» یکی از آن‌ها به شرط مکیل و موزون بودن صورت گیرد ربا در معامله محسوب می‌شود و اگر قرض دادن یک جنس به دیگری با شرط بازپرداخت اضافی همراه باشد ربا در قرض رخ داده است (نک: نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۳: ۳۳۴).^۱ در روزگاری که کسب سود به هر نحوی و به مقدار حداکثر، ملاک بسیاری از معاملات است، در تعالیم اسلامی پدیده ربا برای سالم‌سازی معاملات و جلوگیری از اجحاف و استثمار تعیین شده است. در قرآن کریم و کلام پیشوایان دین اسلام، به کرات در تقبیح ربا و پرهیز از آن سخن رفته است، سخنانی که برای نمودن هرچه بیشتر قباحات ربا و ضرورت پرهیز از آن، حتی گاه لحنی تند و هشدارآمیز نیز به خود گرفته‌اند. نظیر لحن آیات شریفه «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكِ بَأْسُهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/۲۷۵) «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره/۲۷۶)؛ کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده این به خاطر آن است که گفتند داد و ستد هم مانند ربا است در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و خودداری کند، سودهایی که در سابق قبل از نزول حکم تحریم به دست آورده، مال اوست و کار او به خدا واگذار می‌شود اما کسانی که بازگردند اهل آتش‌اند، و همیشه در آن می‌مانند. خداوند، ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنجهکاری را دوست نمی‌دارد». در راستای هشدارها و تحذیرهای این چنینی نسبت به پدیده شوم ربا، پیامبر اکرم نیز با توصیفی وحشتناک از احوال ربا خواران، قبح این عمل و ضرورت پرهیز از آن را در اقتصاد اسلامی ترسیم کرده است؛ حضرت می‌فرماید: «مَنْ أَكَلَ الرِّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ نَارًا يَقْدَرُ مَا أَكَلَ مِنْهُ فَإِنْ كَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِهِ وَكَمْ يَزَلْ فِي لُعْنَةِ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ مَا دَامَ عِنْدَهُ مِنْهُ قِيرَاطٌ»؛ کسی که ربا بخورد خداوند شکمش را به مقدار آن چه خورده از آتش پر می‌کند پس اگر از ربا مالی را به دست آورد خداوند عملش را نمی‌پذیرد و همیشه مورد لعن خدا و ملائکه است مادامی که قیراتی از مال ربوی نزدش باشد (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۳۳۲). بنا بر این آموزه مفید اسلامی در کسب درآمد و ضرورت هشدار نسبت به پدیده شوم رباخواری، حضرت امام رضا(ع)

۱. برای مطالعه بیشتر درباره ربا رک. موحدمنش، صادق‌علی، «بررسی اجمالی ربا از دیدگاه قرآن» پیک نور، سال دوم، شمار دوم، ۱۳۶-۱۴۴. جعفرپور، جمشید، «بررسی ماهیت فقهی ربا»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، شماره ۳۴، دوره ۹، ویژه نامه الهیات ۱، پاییز ۱۳۸۰، ص ۱۹۱-۲۰۸. سیدعباس، موسویان، «نظریه‌های ربا و بهره»، اقتصاد اسلامی، شماره ۲۷، دوره ۷، پاییز ۱۳۸۶، ص ۶۷-۱۰۰.

نیز برخی مصادیق ربا را تبیین کرده‌اند. امام می‌فرمایند: «المؤمن علی أخیه رباً، إلا أن یشتري منه شيئاً بأكثر من منه درهم، فیربح فيه قوت یومه، او یشتري متاعاً للتجاره فیربح علیه ربحاً خفیفاً»؛ سود گرفتن مؤمن از برادر دینی خویش ربا است، مگر این که چیزی را به بیش از صد درهم بخرد، در این صورت، به اندازه خوراک روزانه‌اش سود دریافت می‌کند یا کالایی را برای فروش بخرد، در این صورت سود اندکی از او می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳: ۱۰۰). ایشان ضمن ذکر چنین مصادیقی از پدیده ربا، برای تبیین بیشتر این آفت در تجارت اسلامی، دلایل حرمت ربا و پیامدهای ناگوار آن را موشکافانه بیان کرده‌اند: «و یأسناده عن مُحَمَّد بن سِنَان أن عَلی بن مُوسى الرضا علیه السلام وَ عَلیه تحریم الربا بالنسیئة لعلّه ذهاب المَعْرُوف وَ تلف الأَمْوَالِ وَ رَغْبَةُ النَّاسِ فی الرِّبْحِ وَ تَرْكُهُمُ الْقَرْضَ وَ الْقَرْضُ صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ وَ لَمَّا فی ذَلِکَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ قَنَاءِ الْأَمْوَالِ»؛ علل تحریم ربا این است که خوبی‌ها از میان می‌رود، اموال مردم تلف می‌شود، انسان‌ها به دنبال زیاده‌طلبی در سود و منفعت می‌روند و دلیل آخر این که به سبب رایج شدن ربا، کسی به دیگری قرض نمی‌دهد و موجب فساد و ظلم و ستم در اجتماع می‌شود (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۸: ۱۱۷). باز امام (ع) در راستای تبیین هر چه بیشتر پدیده شوم رباخواری و تأکید بیشتر بر قبح آن، ربا را همدریف قتل نفس قرار داده‌اند: «اجتناب الكبائر و هی قتل النفس الّتی حرم الله تعالی و أكل الربا بعد البینه و البخس فی المکیال و المیزان و الأسراف و التبذیر و الخیانه»؛ و از شرایط ایمان است دوری از گناهان کبیره یعنی کشتن انسان که خداوند منع کرده است و رباخواری پس از دلیل و کم دادن و کاستن پیمانه و ترازو و اسراف و ... (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۲۱).

علاوه بر تبیین پدیده ربا و ضرورت پرهیز از آن در اقتصاد اسلامی، امام رضا (ع) از پدیده شوم دیگری همگان را برحذر داشته است. این پدیده حرام «غش» است. غش به فتح «غ»، به معنای فریب دادن است (نک: مامقانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۹۱). در فقه اعمالی نظیر نگفتن عیب کالا، مخلوط کردن آن با چیز دیگر، پنهان کردن ماهیت واقعی و کیفیت اصلی آن از مصادیق غش در معامله است. آسیب‌زایی چنین پدیده‌ای هم در روابط انسانی و هم در امور اقتصادی با نگاه مختصر به مصادیق مذکور آشکار است اما میزان زشتی این عمل زمانی بیش از پیش آشکار می‌شود که امام به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «لیس منّا من غش مسلماً او ضَرّه او ما کرّه»؛ از ما نیست هرکسی که در کار مسلمانی غش به کار برد یا به او زیان رساند و یا با او به نیرنگ رفتار کند (قمی، بی‌تا، ج ۲: ۳۱۸). در این راستا قرآن کریم نیز نسبت به کم‌فروشان اخطاری توأم با عتاب و خطاب می‌دهد و می‌فرماید: «وَلِلْمُطَفِّفِينَ»؛ وای بر کم‌فروشان! (مطففین/۱). چنین لحن و اخطاری درباره پدیده غش در کنار پدیده ربا و امثال آن، علاوه بر بیان زشتی و قبح این پدیده‌ها، حاکی از اهمیت توجه به محرمات در اقتصاد اسلامی و ضرورت تعریف اقتصاد سالم در

اسلام است، ضرورتی که پیشوایان دین اسلام از جمله حضرت امام رضا(ع) به آن توجه بسیار دارند و به انحای مختلف در پی تبیین و ترسیم ماهیت آن برآمده‌اند.

براساس آن‌چه از محرمانی همچون ربا و غش در آموزه‌های مرتبط با معامله و تجارت در اسلام گفته شد آشکار می‌شود که در اقتصاد اسلامی، سلامت معامله و قرار داشتن آن در چارچوب‌های مقبول، اهمیتی بسزا دارد و عبور از این چارچوب‌ها پیامدهای فردی و اجتماعی ناگواری به همراه دارد. دین اسلام و پیشوایان معززی همچون امام رضا(ع)، بنا بر این تأکیدها و خطارهای مکرر، نسبت به نوع اقتصادی که تعریف و ترسیم کرده‌اند، خود حساسیت بسیار نشان داده‌اند. تباه ساختن دارایی فرد و جامعه و تجاوز و دست‌اندازی به آن به هیچ وجه در نزد آن‌ها توجیه‌پذیر نیست بلکه این امور با گناهان کبیره‌ای همچون اقدام به قتل نفس همسان شناخته شده است. به فرموده امام رضا(ع) هر گاه شخصی «مال یتیم را بخورد، به کشتن او کمک کرده است؛ زیرا یتیم نه بی‌نیاز است و نه می‌تواند بار زندگی خویش را بر دوش کشد و نیز کسی ندارد که امور زندگی او را اداره کند و او را بسنده باشد، چنان‌که پدر و مادر، پس هر که مال او را تباه کرد چنان است که او را کشته و به بینوایی و تهیدستی افکنده است» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۹۲).

۴ - بایدها و نبایدهای مصرف در سیره امام رضا(ع)

مقوله مصرف در کنار تولید و توزیع، از مفاهیم اصلی و مقولات مهم علم اقتصاد محسوب می‌شود به طور که هر مکتب و نظام اقتصادی برخی از مباحث نظری خود را به تشریح ابعاد این مقوله اختصاص داده است. مفاهیم شایعی همچون مدیریت مصرف، مصرف‌گرایی، روش‌های ترغیب به خرید و مصرف و... نشان می‌دهد مصرف پدیده‌ای ذوابعد است که علاوه بر حوزه اقتصاد با روانشناسی و دیگر حوزه‌ها نیز مرتبط است. از این رو در دین اسلام و در مفاهیم اقتصادی‌ای که در گفتار و کردار امام رضا دیده می‌شود، به این پدیده نگاه ویژه‌ای شده و ابعاد آن به انحای مختلف تبیین شده است که ذیلاً تشریح می‌شود.

۴-۱- پرهیز از تشبّه جستن به دشمن در الگوی مصرف

همان‌طور که پیشتر اشاره شد در اسلام مالک واقعی خداست و ملک انسان عاریتی محسوب می‌شود، به عبارت دیگر مال و دارایی به منزله «امانت» در نزد انسان است و او صاحب موقتی آن‌هاست. از آن‌جا که هر امانت‌داری وظایفی برعهده دارد که باید ادا کند انسان نیز در برابر اموالی که در اختیار دارد وظایفی دارد که باید ادا کند. می‌توان گفت مصرف صحیح و منطبق با موازین اسلامی، از راه‌های ادای صحیح حق نعمت و امانت خداوندی است. براین اساس درباره نحوه مصرف

سفارش‌های بسیاری در دین اسلام شده است.^۱ انفاق، خمس، زکات و پرهیز از اسراف و تبذیر از نمونه‌های بارز این سفارشات است که در منابع متعدد اسلامی به کرات به آن‌ها اشاره شده است. پرهیز از تشبیه به دشمن در الگوی مصرف اسلامی نیز یکی از همان آموزه‌هایی است که انسان صاحب مال به آن سفارش شده است. امام صادق (ع) در این راستا می‌فرماید: «وُحِيَ اللَّهُ إِلَيَّ نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَغْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَغْدَائِي وَلَا تُشَاكِلُوا بِمَا شَاكَلَ أَغْدَائِي فَتَكُونُوا أَغْدَائِي كَمَا هُمْ أَغْدَائِي»؛ خداوند به پیامبری از پیامبران وحی فرمود که به قومت بگو لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آن‌ها ظاهر نشوند که در این صورت، همانند آن‌ها، دشمن من خواهند بود (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۱: ۱۱۱). براساس این روایت همواره این امکان وجود دارد که بخش‌هایی از الگوی مصرف، از دیگران از جمله از دشمن اقتباس شود؛ اقتباسی که امروزه بیشتر در قالب تقلید از مدهای خوراک و پوشاک غربی، در جوامع شرقی بسیار رایج و شایع شده و پیامدهی گوناگون فردی و اجتماعی با خود به همراه آورده است. افراد در چنین تقلیدهایی اغلب ناخواسته در پی تشبیه جستن به مراجعی هستند که به لحاظ فرهنگی سنخیتی میان آن‌ها وجود ندارد وای بسا ممکن است چنین مراجعی در نقطه مقابل باورها و اعتقادات شخص مقلد قرار داشته باشند. بر این اساس امام رضا (ع) نیز به مانند امام صادق (ع)، تشبیهات این چنینی را به مثابه دشمنی با خود می‌داند و به صراحت از ارتکاب آن نهی می‌کند. ایشان در حدیثی می‌فرمایند: «لباسی مثل لباس دشمنان من نپوشید و خوراک و نوشیدنی‌ای مثل خوراک و نوشیدنی دشمنان من نخورید و نیاشامید و راه و روش شما مانند شیوه دشمنان من نباشد. اگر غیر از این عمل کنید، شما نیز بدانید با من دشمنی کرده‌اید چنان که دشمن من هستید» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۳۲). شک نیست که الگوپذیری از بیگانگان در نوع و مقدار کالاهای مصرفی از جنبه اقتصادی «موجب ترویج مصرف کالاهای خارجی و بی‌توجهی به تولیدات و کالاهای داخلی می‌شود که افزون بر خارج ساختن سرمایه از کشور، بر تولید و اقتصاد ملی نیز ضربه می‌زند» (ایروانی، ۱۳۸۴: ۲۸۷). اما باید توجه کرد که آسیب‌های این نوع الگوپذیری منحصر به امور اقتصادی نیست بلکه «از جنبه اجتماعی و فرهنگی نیز، نوعی تبلیغ عملی و ترویج فرهنگ بیگانه و تهدیدی برای اصالت‌های فرهنگی و حتی دینی در جامعه به شمار می‌رود؛ به ویژه آن‌که الگوپذیری در مصرف، ناخواسته الگوپذیری در اخلاق و رفتار را نیز در پی خواهد داشت» (همان‌جا).

۱. برای اطلاع بیشتر درباره الگوی مصرف اسلامی رک. سهیلی، کیومرث، «بررسی اصول موضوعه رفتار مصرف کننده در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف»، مجله مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۹۹-۱۲۴. سیدی‌نیا، سیداکبر، «مصرف و مصرف‌گرایی از منظر اسلام و جامعه‌شناسی اقتصادی»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۵۱-۱۷۸.

۴-۲- پرهیز از اسراف

اسراف در لغت به معنی گزاف‌کاری کردن، درگذشتن از حدّ میانه، زیاده روی و اتلاف است و در مقابل تقتیر، اقتار، تقصیر، قصد و اقتصاد به کار می‌رود (نک. دهخدا، ذیل واژه «اسراف»). این مفهوم همان‌طور که راغب در مفردات اشاره کرده است اغلب به هزینه کردن افراطی مال اطلاق می‌شود (نک: راغب اصفهانی، ذیل ماده «سرف»). بنا براین معانی، پرهیز از اسراف، در الگوی مصرفی که از سیره و کلام امام رضا (ع) برمی‌آید، اصلی مهم محسوب می‌شود. امام چنان به جلوگیری از اسراف اهمیت می‌دهد که حتی به نظر ایشان «دورافکندن هسته خرما از جمله کارهای فاسد و نادرست است» (عطاردی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۱۴) و باید «هرکس در منزل خود مشغول غذا خوردن می‌شود اگر مقداری از آن غذا در سفره ریخت باقی مانده آن را برای مصرف در صورتی که آلوده نباشد جمع کند» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۶: ۴۹۹). شاید در نگاه نخست این اندازه حساسیت امام در پرهیز دادن از اسراف غیرقابل درک باشد. اما با جستجو در تعالیم دین مبین اسلام، آشکار می‌شود که اسراف و پرهیز از آن، از مقولاتی است که هم در قرآن کریم و هم در کلام پیشوایان دینی مفصل و بجد به آن پرداخته شده است. طبق تصریح قرآن کریم در آیه ۱۴ سوره انعام، اسرافکاران از دوستی خداوند محروم‌اند. همچنین در آیاتی از سوره مبارکه اسراء، قرآن کریم ضمن توصیه به پرداخت حقوق دیگران، با لحنی هشداردهنده اسراف‌کنندگان را برادران شیاطین می‌نامد: «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا، إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»؛ و حق نزدیکان را بپرداز و [همچنین] مستمند و وامانده در راه را، و هرگز اسراف و تبذیر مکن؛ چرا که تبذیرکنندگان برادران شیاطینند، و شیطان کفران (نعمت‌های) پروردگارش کرد (اسراء/۲۶ و ۲۷). طبعاً بنا برچنین تقبیحی که قرآن کریم از شخص مسرف کرده است، می‌توان برای اسراف از نظر اسلام پیامدهای زیان‌بار فردی و اجتماعی بسیاری تصور کرد. به فرموده حضرت علی (ع) «إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قُلَّةَ الْبَرَكَةِ»؛ همانا اسراف همراه با کاهش برکت است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۵). آشکار است که کاهش برکت موجب ناپایداری و زوال ثروت و دارایی‌های فردی، اجتماعی می‌شود. شاید بر همین اساس باشد که ابن خلدون حکومت‌های دچار اسراف و تبذیر را در معرض فروپاشی می‌داند (نک: ابن خلدون، ۱۳۵۹: ۴۲۴-۴۴۷).

شاید بتوان گفت ضرورت توجه به تعالیم اسلامی درباره پرهیز از اسراف، امروزه بیش از همه دوران‌های گذشته باشد. زیرا مصرف‌گرایی در دوران معاصر بیش از پیش در حال غلبه است و مصرف به افراط، الگویی است که سیطره خود را روز به روز افزایش می‌دهد به طوری که برخی از بیماریهای رایج در عصر حاضر، نظیر چاقی و امراض مرتبط با آن برآمده از چنین الگوی نادرست اما شایع است. از سوی دیگر همزمان با مصرف‌زدگی در برخی جوامع، فقر و سوء تغذیه در بسیاری از

جوامع دیگر رایج است؛ به عبارت دیگر در جهان امروز گرسنگی مفرط و سیری مفرط به صورت گسترده خودنمایی می‌کند. بنابراین در چنین روزگاری توجه به پرهیز از اسراف، که در الگوی مصرف اسلامی عرضه شده است، بسیار مهم و حیاتی است.^۱ امام رضا(ع) از سر آگاهی به همین واقعیت اجتماعی و وجود اقشار فقیر در کنار اقشار غنی و برخوردار، خطاب به عده‌ای که میوه نیم‌خورده را به دور می‌انداختند، فرمود: «سبحان الله اگر شما از آن بی‌نیازید، هستند کسانی که بدان نیازمندند به آنان بخورانید» (فضل الله، ۱۳۶۶: ۵۲). در همین راستا این امام متصل به معارف الهی و بینا به واقعیات اجتماعی در روایتی دیگر، می‌فرماید «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْقِيلَ وَ إِضَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ»؛ به درستی که خداوند، داد و فریاد و تلف کردن مال و پرخواهی را دشمن می‌دارد» (حرانی، ۱۳۸۲: ۸۰۴). شاید برخی گمان کنند که از طریق به نمایش گذاشتن دارایی و هزینه کردن‌های خارج از تصور برای خوراک، پوشاک، مسکن و دیگر لوازم و ضروریات زندگی، جایگاه و پایگاهی در اجتماع نصیب خود کنند اما طبق آنچه از تعلیم دین اسلام و پیشوایان دینی از جمله امام رضا(ع) نقل شد این گروه مغضوب خدایند و آن‌ها باید آگاه باشند اگر هم «این عمل، انسان را در دنیا بلند مرتبه کند، مسلماً در آخرت او را پست و حقیر خواهد کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶).

۴-۳- توجه به قناعت و ساده‌زیستی

طبعاً صحبت از قبح اسراف و ضرورت پرهیز از آن، در تعلیم اسلامی و سیره امام رضا(ع)، در راستای تأیید قناعت و ساده‌زیستی است. به عبارت دیگر ساده‌زیستی و قناعت پیامد طبیعی پرهیز از اسراف و تجمل است و اگر حکم به اجتناب از اسراف شده است در واقع حکم به ساده‌زیستی و قناعت نیز شده است. قناعت در لغت به معنای خرسندی، رضا به قسمت، بسنده کردن، بسنده‌کاری و راضی شدن به اندک چیز است (نک. دهخدا، ذیل واژه «قناعت»). در اصطلاح علم اخلاق نیز قناعت صفتی است که با ضد خود یعنی حرص و ولع تبیین می‌شود و دارنده این صفت کسی است که به مقدار نیاز و ضرورت بسنده کند و زاید بر آن را نطلبید (نک: نراقی، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۴). چنین صفتی در حالات، افعال و گفتار پیشوایان دین اسلام و حیات طیبه ایشان نمود بارز و برجسته‌ای دارد. حضرت علی(ع) قناعت را وسیله عزت می‌دانند (نک: آمدی، ۱۳۶۶ق: ۳۹۱). به نظر

۱. رای مقایسه الگوی مصرف اسلامی با الگوی غربی رک. غلامرضایی، علی اصغر، «مبانی مصرف‌گرایی در دنیای جدید و اصول مصرف در اسلام با تأکید بر رسانه ملی»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال هفدهم، شماره ۱ (پیاپی ۶۱)، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۱-۳۰.

ایشان قناعت و ساده زیستی ضامن سلامت دین است و از این رو مؤمن به اندکی که کفایتش کند، بسند می‌کند (همان: ۳۹۳). براساس اهمیت این چنینی قناعت و ساده‌زیستی در تعالیم اسلامی، پیشوایان دین اسلام فقط صرفاً توصیه کننده به قناعت نبودند بلکه خود عامل به این امر مهم و موصوف به این صفت نیک نیز بودند. رسول خدا (ص) در ضمن وصف حال خود به ابوذر چنین سفارش نموده است: «ای اباذر! من لباس خشن می‌پوشم، بر زمین می‌نشینم، بر الاغ بدون پالان سوار می‌شوم و کسی را پشت سر خود سوار می‌کنم پس هر که از سنت من گریزان شود از من نیست» (حکیمی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۴۷). بر این اساس است که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «خدای تعالی بر پیشوایان حق واجب فرموده که خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمند تنگدست را پریشان و نگران نسازد» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹). حضرت امام رضا (ع) نیز در راستای ترویج اخلاق ساده‌زیستی و همنا با همه پیشوایان دینی، ضمن توصیه به ساده‌زیستی و قناعت، خود نیز عامل به آن بودند. به فرموده آن حضرت «قناعت باعث خویشتن‌داری، ارجمندی و آسوده شدن از زحمت افزون‌خواهی و بندگی در برابر دنیا پرستان است» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۷۸). به گفته ایشان یکی از فواید قناعت، رضایت خدا به عمل اندک بنده است: «من رضی عن الله تعالی بالقلیل من الرزق رضی الله منه بالقلیل من العمل»؛ هرکس به رزق و روزی کم از خدا راضی باشد خداوند از عمل کم او راضی خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۳۵۷). طبق بیان حضرت، رضایت به روزی اندک خدا نه تنها موجب رضایت خدا از عمل اندک بنده است بلکه باعث سبک‌باری و رضایت خانواده نیز است. طبق فرمایش ایشان «هر که از روزی حلال اندک خشنود باشد، بارش سبک و خانواده‌اش در نعمت باشد» (حرانی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۴۹). براساس چنین رویکردی نسبت به زندگی دنیایی و بر مبنای چنین الگویی از مصرف و هزینه، امام رضا (ع) «در تابستان بر روی حصیر می‌نشست و در زمستان بر روی پلاس آرام می‌یافت و لباس‌های او از جامه‌های زبر و درشت بود» (ابن بابویه، همان، ج ۵: ۵۱۷) و به گفته اباصلت هروی، حضرت «غذایی ساده و خوراکی اندک داشت» (همان، ج ۲: ۱۳۶).

۴-۴- میانه‌روی در معیشت

یکی از ویژگی‌های بارز الگوی معیشت اسلامی چه در کسب مال و چه در مصرف آن، که در کلام امام رضا (ع) نمود برجسته‌ای دارد، پرهیز از افراط و تفریط است. این امر چنان در نظر امام اهمیت دارد که از نشانه‌های کامل بودن ایمان محسوب شده است. به فرموده ایشان «حقیقت ایمان انسان کامل نمی‌شود مگر این که سه صفت در او وجود داشته باشد اول دانش دین بیاموزد، دوم در معیشت اندازه را نیکو نگهدارد و سوم بر بلاها و گرفتاری‌ها صبر و شکیبایی کند» (فضل‌الله، ۱۳۷۷: ۶۵). از این کلام گوهر بار آشکار می‌شود که مقام و ارج اعتدال در معیشت، به

اندازه دو موضوع دیگر یعنی صبر و آموختن دانش دین است. همگان می‌دانند که رسیدن به مقام صبر و نیل به مرتبه عالمی در دین، چه اندازه مشقت‌بار است و در نزد خداوند چه ارجی دارد. با وجود این، امام اعتدال در معیشت را همه پایه آن‌ها قرار داده و از این طریق اهمیت آن را به نیکویی نموده است.

به فرموده حضرت میانه‌روی در هر حالتی لازم است: «عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ»؛ بر شما باد میانه روی به هنگام دارایی و نداری» (حکیمی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۷: ۷۸). برطبق چنین اصلی، در کسب مال و تحصیل درآمد نیز امام از سودجویی و حریصی برحذر داشته، اعتدال را سرلوحه تجارت و کسب قرار داده است. ایشان می‌فرمایند شخص «به اندازه گذران زندگی سود ببرد یا در مورد مال تجاری سود اندک داشته باشد و افزایش ناموزون در معاملات تجاری نباشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ۱۰۳). شکی نیست که سودجویی و حرص برای کسب درآمد بیشتر، یکی از آفات مهلک و از زمینه‌های ایجاد ثروت‌های نامشروع است؛ ثروت‌هایی که خود منشأ بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات فردی و اجتماعی است. از این رو میانه روی و پرهیز از افراط در آن، امری حیاتی و مهم است.

علاوه بر اهمیت میانه‌روی در کسب درآمد، که امام اهمیت آن را از طریق قرار دادن در ردیف مقام صبر و آموختن دانش دین بیان فرموده‌اند، ایشان به اهمیت رعایت اعتدال در مصرف و هزینه نیز اشاره کرده است. این اشاره در جواب امام به شخصی که از ایشان درباره روش هزینه‌کردن کسب تکلیف کرده، به وضوح تبیین شده است. امام می‌فرماید «به گونه‌ای باشد که بین دو مکروه، سخت‌گیری و اسراف قرار گیرد. [آن شخص پرسید ای فرزند پیامبر خدا] منظورتان از این سخن چیست؟ فرمود: آیا سخن خدا را در قرآن نشنیده‌ای که اسراف و سخت‌گیری را ناپسند می‌شمارد و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»؛ و کسانی‌اند که چون اتفاق کنند نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو حد، حد وسط را برمی‌گزینند، بنابراین در مورد معاش و هزینه زندگی خانواده، میانه رو باش» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۵۴). از آن‌جا که یکی از عمده‌ترین محل‌های صرف درآمد، خانواده است حضرت با عنایت به این محل، در جای دیگر فرموده‌اند: «نسبت به مصارف مالی درباره خود و عائله‌ات معتدل و میانه‌رو باش» (عطاردی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۸۵). بنابراین آشکار می‌شود که مدیریت هزینه و نحوه صرف درآمد در تعالیم اسلامی اهمیت بسیار دارد.

از سر همین اهمیت است که در منابع مختلف اسلامی این موضوع محل بحث و اشاره شده است. حضرت علی (ع) در حدیث «الْقَصْدُ مَثْرَاءٌ، وَالسَّرْفُ مَثْوَاءٌ»؛ میانه‌روی در مصرف را از اسباب ازدیاد دارایی و افراط در آن را موجب هلاک می‌داند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۷: ۳۳۹). در راستای نمودن

هر چه بیشتر اهمیت میانه‌روی در مصرف، امام صادق (ع) نیز وقتی آیه «آن‌ان که چون انفاق می‌کنند زیاده روی نمی‌کنند و بخل هم نمی‌ورزند و میان این دو، حدّ وسط را نگه می‌دارند» (فرقان/۶۷)، را خواند، برای تفهیم بهتر مطلب، مشتی سنگریزه برداشت و آن را در مشتش نگه داشت و فرمود «این همان سختگیری و خستی است که خداوند عزّوجلّ در کتاب خود فرموده است»، آن گاه مشتی دیگر برداشت و همه آن‌ها را ریخت و فرمود: «این اسراف است»، سپس مشتی دیگر برداشت و قسمتی از آن را ریخت و مقداری را نگه داشت و فرمود «این حدّ وسط است» (کلینی، همان: ۳۴۵).

۵- محل‌های صرف درآمد از دیدگاه امام رضا (ع)

بی‌شک عدم تشخیص اولویت‌ها در صرف درآمد از مهم‌ترین عوامل اتلاف سرمایه است. به واقع می‌توان گفت فعالیت‌های اقتصادی و تلاش برای کسب روزی، بدون تشخیص محل‌های صحیح صرف درآمد، آسیب‌های فردی و اجتماعی بسیاری را در پی می‌آورد. پرهیزها و گشاده‌دستی‌های نابجا و بی‌محل، هر دو عواقب وخیمی چون فقر و ناداری را می‌تواند در پی داشته باشد که خود سرمنشأ بسیاری از ناهنجاری‌هاست. از این رو در مقوله مصرف، مدیریت و نحوه هزینه کردن اهمیت بسیار دارد به طوری که به دلیل همین اهمیت، «مدیریت مصرف» امروزه از مفاهیم رایج در فرهنگ عمومی شده است.

از آن‌جا که در تعالیم اسلام به همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی توجه بسیار شده، به پدیده‌های اقتصادی نظیر مصرف نیز عنایت ویژه‌ای شده است. مواردی از این عنایت را پیشتر با عناوینی مثل «پرهیز از تشبّه جستن به دشمن در الگوی مصرف»، «پرهیز از اسراف»، «توجه به قناعت و ساده‌زیستی» و «میانه‌روی در معیشت» توضیح دادیم. طبعاً با وجود چنین توجهاتی به مقوله مصرف در دین اسلام، مدیریت مصرف و تعیین محل‌های صحیح مصرف و هزینه کردن درآمد نیز در این دین مبین و سیره پیشوایان آن نمی‌تواند دور از نظر باشد. از این رو امام رضا (ع) در سیره خود در راستای تبیین مدیریت مصرف، خانواده، انفاق و مالیات‌های اسلامی (خمس و زکات) را به عنوان سه محل صحیح و دارای اولویت در مصرف درآمد تعیین فرموده‌اند که ذیلاً به تفصیل جایگاه این سه محل و ضرورت صرف درآمد برای آن‌ها در تعالیم اسلامی و سیره امام رضا (ع) تشریح می‌شود.

۵-۱- خانواده و عیال

در دین مبین اسلام به تشکیل و حفظ خانواده بسیار سفارش شده است به طوری که به فرمایش رسول اکرم (ص) «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَاَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»؛ یعنی بهترین شما کسی است که

بهترین برای خانواده‌اش باشد و من برای خانواده‌ام بهترین هستم (حر عاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۴: ۲۲۱). در همین راستا به فرموده حضرت رسول، بودن در کنار خانواده و اهمیت دادن به این کانون مهم در نزد خدای متعال اهمیتی فراتر از اعتکاف دارد. آن حضرت می‌فرماید: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ إِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدٍ هَذَا»؛ نشستن مرد در کنار خانواده‌اش، نزد خدای بزرگ دوست داشتنی‌تر از اعتکاف در مسجد من است (ورام، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۲۲).

با این اهمیتی که اسلام به خانواده داده است، طبعاً فراهم کردن رفاه و تأمین معاش آن را نادیده نمی‌گیرد. در کلام پیشوایان دینی و به ویژه در کلمات امام رضا (ع)، نمونه‌هایی از این توصیه‌ها بسیار است. به فرموده آن حضرت «آن کس که از نعمت مالی برخوردار است باید اسباب رفاه خانواده خود را بیشتر فراهم کند» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۱۱). آن گونه که از لحن این فرموده امام برمی‌آید، مرد دارا ملزم به تأمین رفاه خانواده است. این امر در نظر حضرت چنان مهم بوده است که در روایتی دیگر، باز به برآورد آسایش خانواده و پرهیز از سخت‌گیری توصیه کرده‌اند. به فرموده امام «سزاوار است مرد غنی و متمکن زندگی خانواده خود را توسعه دهد و آنان را از رفاه و آسایش کافی برخوردار کند تا آنان به علت سخت‌گیری او و محرومیت خودشان، تمنای مرگ وی ننمایند» (کتابچی، ۱۳۷۹: ۱۵۴). امام بنا بر چنین رویکردی و براساس این فرمایش حضرت رسول که «لَيْسَ مِنَّا مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَتَرَ عَلَى عِيَالِهِ»؛ از ما نیست کسی که وسعت زندگی بر او داده شود و او بر خانواده‌اش سخت بگیرد (محدث‌نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۲۵۶)، خود راساً به تأمین معاش خانواده توجه می‌کردند.

۵-۲- بخشش و دستگیری از نیازمندان

در دین اسلام به انفاق در راه خدا و دستگیری از نیازمند مکرر سفارش شده است. هم در قرآن کریم و هم در روایات منقول از حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار (ع)، یاری و دادرسی به صورت گسترده مطرح شده است. این مطرح شدن گاه در توصیف ارجمندی مقام انفاق و ضرورت اقدام به آن است گاه نیز در ذکر فواید آن. طبق فرمایش قرآن کریم، انفاق صفت پرهیزکاران و متقیان است. بر طبق آیه ۳ سورة مبارکه بقره «پرهیزکاران» کسانی هستند که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند». حضرت رسول نیز در توصیف ارجمندی سخا و بخشش می‌فرماید: «السَّخَاءُ خَلَقَ اللَّهُ الْأَعْظَمَ»، سخاوت، اخلاق بزرگ‌الهی است (نک: متقی، ۱۴۲۶ق، ج ۶: ۳۳۷). بنا بر چنین اوصافی از سخا و بخشش، طبق گفته ابن ابی الحدید، علی بن موسی (ع) «با سخاوت‌ترین و بزرگواری‌ترین مردم از جهت اخلاق و رفتارهای انسانی بود» (عزیزی، ۱۳۸۱، ص ۱۴). به فرموده این امام همام «احسان، اطعام مردم، دادرسی از ستم دیدگان و رسیدگی به حاجتمندان از بالاترین صفات پسندیده است» (حکیمی، ۱۳۹۰: ۱۷). بر این

اساس، طبعاً به نظر امام «بدترین مردم [نیز] کسی است که از عطا و بخشش دریغ ورزد و تنها بخورد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۵).

برطبق سیره مرسوم امام هشتم (ع)، ایشان به هر چیزی که دیگران را سفارش کرده‌اند، خود نیز در مقام عمل عامل به آن سفارش بوده‌اند و فقط به وعظ و پند بسند نکرده‌اند. برهمین اساس درباره دستگیری از دیگران نیز، امام علاوه برنظر، در عمل نیز از حاجتمندان دستگیری کرده‌اند. به نقل از ابراهیم بن عباس «آن بزرگمرد بسیار به مردم احسان می‌کرد و به آن‌ها انفاق مالی مخفیانه می‌نمود و غالباً این کمک‌های مالی را در شب‌های تاریک انجام می‌داد. پس کسی که گمان می‌کند در بزرگواری، کسی را همانند امام رضا دیده است او را تصدیق نکنید» (قمی، ۱۳۷۲: ۳۳۳). خود حضرت در ذکر شمه‌ای از اقدامات عملی خود می‌فرمایند: «هنگامی که در مدینه بودم و در کوچه و خیابان رفت و آمد می‌کردم به مردم مدینه و دیگران که از من درخواست کمک مالی می‌نمودند، کمک می‌کردم، آنان بر اثر این کار همانند آموزادگانم می‌شدند» (دخیل، ۱۴۰۲، ج ۲: ۸۸).

همان‌طور که از این روایت امام (ع) بر می‌آید، دستگیری از دیگران و انفاق نسبت به آن‌ها، فواید گوناگونی از جمله ایجاد صمیمیت و پیوندهای عاطفی به همراه دارد. اما بالاترین این فواید اجرای فرمان‌های الهی درباره یاری بینوایان است. خداوند بارها در آیات گوناگون به این امر سفارش و تأکید نموده است. در یکی از آن سفارش‌ها از زبان امام رضا (ع) چنین نقل شده است: «خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا برای امور بیماران زمینگیر و دیگر مبتلایان قیام کنند» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۸۹). طبعاً خدای تعالی از آن‌جا که هیچ‌کاری از کارهای مؤمنان را بی‌اجر و ثواب نمی‌گذارد، به خیراندیشی و انفاق آن‌ها نیز ثواب و پاداش عطا خواهد فرمود. امام رضا (ع) با ایمان راسخی که به چنین وعده‌ها و عطایای خداوند دارند، «در یک روز، تمام اموال خود را بین مردم تقسیم کرد. فضل بن سهل به آن حضرت عرض کرد این به درستی، غرامت و خسارت است. امام فرمودند هو المغتنم، لاتعدن مغرماً ما اتبعتم به اجرا و کرماً، بلکه این غنیمت و دستاورد بدون زحمت است آن‌چه را که در مقابلش، پاداش و بزرگواری به دست می‌آوری خسارت نشمار» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۱۶) براساس چنین باوری است که ایشان در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «به کودک دستور بده که با دست خودش، گرچه به اندازه تکه نانی یا یک مشت از چیزی صدقه بدهد؛ زیرا هر چیزی که در راه خدا داده شود اگر با نیت پاک باشد هر چند کم باشد بسیار زیاد است» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۴).

احادیث منقول از این امام همام درباره فواید گشاده‌دستی و دستگیری از مستمندان، متعدد و بسیار است که خود حاکی از اهمیت انفاق در نظر ایشان است. به فرموده حضرت «السَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، مَنْ تَعَلَّقَ بِغَصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ»؛ سخاوت درختی است در بهشت

که شاخه‌های آن در دنیاست و هرکس به شاخه‌ای از شاخه‌های آن چنگ زند به بهشت در می‌آید» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۶۸). به بیان امام انسان با احسان و بخشش خود را شریک نعمتهای خدا قرار می‌دهد (همان، ج ۲: ۳۱۴). اهمیت یاری به نیازمندان و رسیدگی به احوال دردمندان در نظر امام چنان است که به فرموده ایشان «هر کس اندوه و مشکلی را از مؤمنی بر طرف نماید، خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش بر طرف می‌سازد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۶۸). در این راستا حضرت می‌کوشید ناتوانان را از اندوه بدهکاری برهاند (نک: ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۱۴). در واقع یکی از مصادیق اقدامات عملی امام در دستگیری از نیازمندان، ادای قرض آن‌ها بود. به نقل از کتاب التجاره حر عاملی، حضرت «بدهی بدهکاران را ضمانت می‌کرد تا طلبکاران نتوانند بر آنان سخت گیرند» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۹: ۸۰).

برطبق آن‌چه از بخشش و دستگیری از نیازمندان، در تعالیم اسلامی و سیره امام رضا (ع) ذکر شد، فواید بسیاری برای این عمل می‌توان برشمرد. اصرار و اقدام حضرت به این عمل قطعاً حاوی فواید فردی و اجتماعی بسیار است. امام با ذکر انفاق به عنوان یکی از محل‌های صحیح صرف درآمد، در واقع با فقر و نابرابری به مبارزه برخاسته‌اند. شک نیست اگر دستگیری از مستمندان آن طور که باید و شاید مورد توجه احاد جامعه قرار گیرد بسیاری از نابرابری‌های آسیب‌زا از میان خواهد رفت. مشاهده نابرابری و علم به وجود تبعیض در برخورداری از ناعثم خدادادی، دل هر مؤمن و انسان آزاده‌ای را می‌آزارد. وجود اقشار بی‌بضاعت از یک‌سو و قشر متمول و برخوردار از سوی دیگر سیمایی ناخواهند و تأسف‌باری به هر جامعه می‌بخشد. آشکار است چنین سیمایی به هیچ وجه شایسته یک جامعه اسلامی نیست. بنابراین راه جلوگیری از پیدایش چنین سیمایی را امام رضا علیه السلام با سفارش و اقدام به انفاق، از سر واقع‌بینی و دلسوزی تبیین کرده‌اند. بنابراین برای محو فقر و تبعات بسیار آن، که همه احاد جامعه از فقیر و غنی را در معرض خطر قرار می‌دهد، باید با صرف بخشی از درآمد برای مستمندان از این آسیب‌ها پیشگیری کرد و جامعه‌ای در خور نام اسلام ایجاد کرد.

۵-۳- پرداخت خمس و زکات

همان‌طور که پیشتر در ذیل عنوان «جایگاه ثروت و نحوه برخورداری از آن در نظر امام رضا (ع)»، از قول حضرت، در گفتگوی با بزنطی، ذکر شد که خداوند برعهده صاحب نعمت، وظایفی معین قرار داده است که باید نسبت به ادای صحیح هر یک از آن‌ها اقدام کند. مهم‌ترین این وظایف پرداخت بخشی از درآمد و دارایی برای کمک به نیازمندان است که در صفحات قبل از آن سخن به میان آمد. در تشریح این مطلب می‌توان گفت طبق آموزه‌های دینی بخشی از این انفاق‌ها، در قالب‌هایی نظیر خمس و زکات ماهیت وجوبی دارند و اهمیت توجه به آن‌ها چنان است که سرپیچی

کنندگان، طبق نقل امام رضا(ع) از پیامبر در حدیث «أول من يدخل النار امير متسلط لم يعدل و ذو ثروة من المال لم يعط المال حقه» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۸ و عطاردی ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۸۱)، جزء اولین وارد شوندگان به آتش دوزخ هستند. در واقع در آموزه‌های دین مبین اسلام، خمس و زکات، از اصلی‌ترین راه‌هایی است که صاحبان نعمت از طریق آن‌ها، حق دولتمندی خود را نسبت به جامعه اسلامی خود ادا می‌کنند. زکات در فقه اسلامی، عبارت است از حق واجب که طبق آن بخشی از اموال برخی افراد غنی و ثروتمند جامعه، به نفع فقرا برای صرف در مصالح عمومی پرداخت می‌شود (نک: مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۸۰-۲۸۱). قرآن کریم بارها زکات و پرداخت آن را بیان کرده است و برای نشان دادن اهمیت این فریضه، آن را در آیاتی نظیر آیه «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (حج/۴۱) و آیه «رَجُلًا لَا تُلْهِمُهُمْ بُحَارَةً وَلَا بُيْعًا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَاقَامِ الصَّلَاةَ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةَ» (نور/۳۷)، به همراه نماز ذکر کرده است. وجوب زکات از ضروریات دین اسلام و مورد اتفاق همه مسلمانان است به نحوی که انکار این وجوب موجب ارتداد دانسته شده است (نجفی، ۱۳۸۸، ج ۱۵: ۱۵). خمس نیز در بیان قرآن جزء انفاقات واجب است که در آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمْنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفَايُ الْجُمُعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال/۴۱)، لزوم پرداخت و موارد مصرف آن تعیین شده است. میزان این انفاق واجب، یک پنجم اموال است که باید از درآمد و مازاد بر مخارج شخص، با شروط خاصی که در فقه بیان شده، پرداخت شود و آن حقی است که خداوند برای پیامبر اکرم(ص) و امام معصوم(ع) قرار داده تا آن حضرات و مستمندان خاندانشان، نیازمندی‌های خود را با آن تأمین کنند.

در راستای اهمیت توجه به این دیون شرعی در اسلام، حضرت امام رضا(ع) نیز به انحای مختلف به وجوب و ضرورت پرداخت زکات و خمس تأکید کرده‌اند. ایشان برای نمودن اهمیت زکات، همسو با تعالیم قرآنی، برآنند که «مَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكَّ تَقَبَّلَ صَلَوَتُهُ»؛ هر کس نماز بخواند ولی زکات و مالیات اسلامی نپردازد، نمازش قبول نمی‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶: ۱۲). در همین راستا حضرت برای نمودن عینی‌تر عواقب عدم پرداخت زکات، در حدیث «إِذَا حُسِبَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي»؛ بی‌توجهی به زکات را موجب هلاک دام‌ها دانسته‌اند (همان، ج ۷۳: ۳۷۳). به عبارت دیگر طبق این احادیث شرط پذیرش نماز و بقای دارایی، پرداخت بخشی از ثروت و درآمد در قالب زکات است. در واقع ترسیم جایگاه این چینی برای زکات، ناظر به کارکردهایی‌های مهم این فریضه است که در کلام امام رضا(ع) این گونه متبلور شده است: «ان علة الزكاة من اجل قوت الفقراء ... كما قال عزوجل لنبلونكم في اموالكم و انفسكم في اموالكم اخراج الزكاة... مع ما في ذلك من اداء شكر نعم الله عزوجل... مع ما فيه من الزيادة و الرفاهة و الرحمة لاهل الضعف و العطف على اهل المسكنة، و

الحث لهم على المساواة وتقوية الفقراء و المعونة لهم على امر الدين...»؛ زکات، برای تأمین بینوایان وضع شد، چنان که خدای بزرگ فرموده است: شما را در اموال و جان‌هایتان امتحان می‌کنیم. (امتحان) در اموال پرداخت زکات است... با دیگر فوایدی که در این سنت نهفته است چون افزایش دارایی و عطوفت و مهربانی در حق ناتوانان، و توجه به حال بینوایان، و انگیزش مردمان به مساوات و تقویت فقرا و یاری رساندن به آن‌ها در انجام دادن تکالیف دینی است...» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۸۹). می‌توان گفت در این حدیث حضرت با توسل به معارف قرآنی، پرداخت زکات را از یک سو محملی برای آزمایش ایمان مؤمنان و از سوی دیگر آن را متضمن کارکردهای اجتماعی نظیر رفع فقر و نابرابری دانسته است. آنچه در این میان در بیان امام بسیار در خور توجه است برجستگی نقش فقر در ایجاد بی‌توجهی به انجام تکالیف دینی است. به عبارت دیگر در بیان حضرت، به صورت ضمنی، فقر زمینه‌دوری از خدا دانسته شده است که با پرداخت زکات این زمینه زدوده می‌شود. آشکار است که قرار گرفتن در تنگنای فقر و دوری از خدا اسباب نابهنجاری‌های بسیاری در جامعه است که هر یک می‌تواند دامنگیر همه اعضای آن شود از این رو طبق تعلیم امام پرداخت زکات به نوعی تأمین بستر رشد و شکوفایی برای خود و دیگران، از طریق رفع فقر و ناداری سایر اعضای جامعه است.

به مانند امر زکات که حضرت امام رضا(ع)، ابعاد آن را به انحای مختلف بحث و بررسی کرده‌اند، خمس نیز در کلام حضرت بسیار مورد توجه بوده است و ایشان برای ادای این فریضه، به عنوان سهم امام و بینوایان تأکید بسیار کرده‌اند. از جمله حضرت در جواب گروهی از خراسانیان که خواستار معاف شدن از پرداخت خمس بوده‌اند، فرموده است: «این چه حيله و نیرنگی است از شما؟ شما با زبان خود نسبت به ما اظهار دوستی و محبت می‌کنید؛ اما از طرف دیگر حقی را که خداوند برای ما مقرر نموده و بر شما واجب کرده است تا آن را بپردازید، از ما دریغ می‌کنید؟! خیر؛ هرگز چنین کاری را نمی‌کنم و شما را از دادن خمس معاف نمی‌دارم» (غفاری، ۱۳۹۵: ۲۹۸). طبق این حدیث، اولاً حضرت، اظهار تولا، بدون ادای دین را امری فریبکارانه می‌داند، ثانیاً ترک خمس را ترک امر واجبی می‌داند که وجوب آن از سوی خداست. ثالثاً ایشان خمس را حقی از حقوق امام معرفی می‌کند که باید پرداخت شود. در راستای ترسیم هر بیشتر ماهیت و کارکردهای خمس پاسخ حضرت امام رضا(ع) به برخی شیعیان نیز بسیار در خور توجه است طبق بیان حضرت «...همانا خمس پشتوانه و یاری‌دهنده ما جهت تقویت دین ما و اداره امور زندگی ما و کمک به دوستان ماست و همچنین با آن آبروی خود را از کسانی که از قدرشان بیم داریم حفظ می‌کنیم، بنابراین آن را از ما دریغ موزید و در حد توان، خود را از دعای ما محروم نسازید. همانا پرداخت خمس کلید رزق شماست و شما را از گناهان پاک می‌گرداند. خمس ذخیره شما برای روز فقر و

ناتوانی شما (در قیامت) است. مسلمان کسی است که به عهد و پیمان الهی وفادار بماند و مسلمان نیست آن کس که با زبان پاسخ گوید و با دل مخالفت ورزد» (کلینی، ۱۳۶۳ق، ج ۱: ۵۴۷). در این حدیث نیز حضرت علاوه بر بیان مجدد مواردی که در حدیث پیشین ذکر شد، پرداخت خمس را عامل رزق و پاکی از گناهان نیز معرفی کرده‌اند. به عبارت دیگر به مانند آنچه حضرت درباره نقش زکات در برقراری روزی فرمودند، خمس نیز در کلام ایشان عامل جریان رزق دانسته شده است. همچنین طبق این حدیث حضرت موارد مصرف خمس و تعلق آن به امام و نزدیکان وی را تأکید کرده‌اند. به عبارت دیگر با پرداخت خمس دست امام و حاکم اسلامی در اداره امور خود و جامعه گشوده می‌شود و بدین طریق، راه برای اعتلای فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی هموار می‌شود.

نتیجه‌گیری

نظامی اقتصادی‌ای که امام رضا(ع) در گفتار و رفتار خود آن را ابراز می‌کند ضمن این که برخورداری از نعائم و ثروت را با بیانِ ضرورتِ کار اقتصادی تشویق و تأیید می‌کند، در پی آن است تا با انفاق و دستگیری از نیازمندان، از انباشت ثروت که موجب فساد و ایجاد تبعیض در جامعه است جلوگیری کند. حضرت با ذکر ضرورت هزینه برای خانواده و گشاده‌دستی در برابر عیال و همچنین بیان وجوب صرف مال برای بینوایان و مستمندان، به نحوی شایسته محل مصرف دارایی و درآمدها را تعیین می‌فرماید، طبعاً انفاق به نیازمندان از پیدایش فقر و تبعیضات اقتصادی که منشأ بسیاری از ناهنجاری‌ها و معاصی است جلوگیری می‌کند، تأمین بهینه معاش عیال نیز به استحکام یکی از مقدس‌ترین کانون‌ها، یعنی کانون خانواده می‌انجامد. کانونی که امروزه بیش از همه دوران‌ها در معرض آسیب است. در واقع هر آسیبی که به خانواده برسد جامعه را از درون دچار مشکلات خواهد کرد و احاد جامعه با نبود شرایط رشد در درون خانواده موجب ناهنجاری‌ها و پیامدهای نامطلوب اجتماعی خواهند شد. در راستای عرضه یک الگوی مصرف بهینه امام با سفارش به صرفه‌جویی، اعتدال در مصرف و ساده زیستی نظامی را ترسیم می‌کند که به شکلی بارز نه تنها مانع از غرق شدن در امور دنیایی و مفاسد ناشی از ثروتمندی است، بلکه زمینه‌ساز شکوفایی اقتصادی اجتماع نیز است. شک نیست کمال فرد و رشد معنوی انسان، تا رسیدن به قرب الهی از اهداف دین مبین اسلام است. از سوی دیگر از آن‌جا که انسان مستعد عصیان و سرکشی است و ثروت و دارایی یکی از اسباب اصلی تمرد انسان در برابر فرامین خداست، امام رضا(ع)، با طرح الگوی مصرفی که در هر نظام اقتصادی‌ای به نحوی طرح شده، نسبت به برآورد اهداف متعالی دین مبین اسلام در زمینه کمال فردی و اجتماعی اقدام کرده است. در این راستا ایشان نسبت به اسراف و تبذیر با لحنی صریح هشدار داده و مسرفین را با بدترین صفات و بدترین عذاب‌ها روبرو ساخته است، از سوی دیگر با سفارش به میانه روی و ساده زیستی از عوافب ثروت اندوزی، اسراف و زیاده‌روی در مصرف برحذر داشته است. طبعاً با چنین رهنمودهایی که الگوی مصرف اسلامی از زبان امام رضا(ع) عرضه کرده است، نه تنها فرد، بلکه جامعه نیز به سوی کمال مطلوب خود حرکت خواهد کرد. ساده زیستی و پرهیز از اسراف هر جامعه‌ای را به سودی استقلال و تعامل قدرتمندانه با جوامع دیگر می‌رساند، امری که لازم است هر جامعه اسلامی آن را همواره سرلوحه سیاست‌های خود قرار دهد زیرا اسلام راه تسلط بیگانگان بر جامعه اسلامی را در قاعده نفی سبیل مسدود ساخته و از آن برحذر داشته است. قناعت، مدیریت مصرف و هزینه بجا، قطعاً زمینه‌ساز خودبستگی است و عمل برخلاف این مفاهیم نه تنها به استقلال و سربلندی جامعه اسلامی در محافل بین‌المللی آسیب می‌رساند، در داخل جامعه نیز منشأ ناهنجاری‌های بسیار و آسیب‌های جبران‌ناپذیر می‌شود. هم فرد

و جامعه، امروزه در عصر دهکده جهانی و انقلاب ارتباطات، بسیار بیش از پیش در معرض تأثیرپذیری از الگوهای تولید و مصرف در سایر جوامع قرار دارد شک نیست که نمی‌توان گفت همه این الگوها مضر و مهلک است اما باید توجه کرد اکثر رسانه‌ها در خدمت تبلیغ و معرفی الگویی هستند که مصرف بیشتر را سرلوحه خود قرار داده است؛ الگویی که با توسل به شیوه‌های پیچیده و جذاب تبلیغی بسیار پر هیاهو و سلطه جوست و هر غفلتی در برابر آن عواقب فردی و اجتماعی بسیاری می‌تواند در پی داشته باشد.

منابع

قران کریم

نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۰). عیون اخبار الرضا. ۲جلد، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. (۱۳۶۲). الخصال. با تصحیح و تعلیقات علی اکبر غفاری، قم: مرکز انتشارات اسلامی.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۵۹). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: کتاب.
۵. ابن شهر آشوب، رشیدالدین محمد بن علی، (۱۳۷۹). مناقب آل ابی طالب. چاپ سوم، قم: انتشارات علامه.
۶. انیس، ابراهیم و الحلیم المنتصر، (۱۳۶۷). المعجم الوسیط. چاپ دوم، تهران: ناصر خسرو.
۷. ابروانی، جواد، (۱۳۸۴). اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۴). وسائل الشیعه، ۲۵جلد، تهیه و تنظیم حسین نوری و رحمه الله رحمتی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. حرآئی، ابو محمد حسن، (۱۳۸۳). تحف العقول. تحقیق علی اکبر غفاری، قم: موسسه نشر اسلامی.
۱۰. (۱۳۸۲). تحف العقول. ترجمه صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علی.
۱۱. حکیمی، امیرمهدی، (۱۳۹۰). با تو عهد می بندم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۲. حکیمی، محمد رضا و دیگران، (۱۳۷۴). الحیات. ۱۰جلد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. خوشرو، غلامعلی، (۱۳۷۲). شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون. چاپ اول، تهران: نشر اطلاعات.
۱۴. دخیل، علی محمد علی، (۱۴۰۲ق). ائمتنا. بیروت: دارالمرتضی.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۵). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۶. راغب اصفهانی، (۱۴۱۶ق). مفردات ألفاظ القرآن. تحقیق صفوان عدنان داوودی، الطبعة الاولى دمشق و بیروت.
۱۷. ربیعی، عبدالعظیم، (۱۴۲۳ق). وفاه ارضا. چاپ اول، قم: مکتبه الحیدریه.
۱۸. ساموئلسن، پل آنتونی و ویلیام نوردهاوس، (۱۳۸۴). اصول علم اقتصاد. ۲جلد، ترجمه مرتضی محمدخان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۹. صدر، محمدباقر، (۱۳۶۹ق). اقتصاد ما، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
۲۰. عزیزی، عباس، (۱۳۸۱). فضایل و سیره امام رضا(ع) در آثار علامه حسن‌زاده آملی. قم: انتشارات صلاه.
۲۱. عطاردی، عزیز الله، (۱۳۸۸). مسند الامام الرضا. ۲جلد، تهران: عطارد.
۲۲. غفاری، محسن، (۱۳۹۵). پاره‌ای از بهشت(سیره رضوی از غربت مظلومانه تا شهادت غریبانه)، تهران: زیارت.
۲۳. فضل‌الله، محمدجواد، (۱۳۷۷). تحلیلی از زندگی امام رضا(ع). ترجمه سید محمدصادق عارف، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۴. قمی، شیخ عباس، (۱۳۷۲). نگاهی به زندگی چهارده معصوم (ع). ترجمه محمد مهدی اشتهاوردی، قم: انتشارات ناصر.
۲۵. (بی‌تا). سفینه البحار. تهران: سنایی.
۲۶. کتابچی، محسن، (۱۳۷۹). آیین زندگی از دیدگاه امام رضا(ع). مشهد: نشر الف.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ق). اصول کافی. ۴جلد، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. (۱۳۶۲ق). فروع کافی. ۱۰جلد، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. مامقانی، محمدحسن، (۱۴۲۳ق). غایه الآمال فی حاشیه المکاسب. ۱۰جلد، قم: ثامن الحجج.
۳۰. متقی، علی بن حسام‌الدین، (۱۴۲۴ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. ۱۸جلد، تحقیق محمود عمر الدمیاطی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: احیاء التراث العربی.
۳۲. محدث نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ۱۸جلد، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث.
۳۳. مشکینی‌اردبیلی، علی، (۱۳۹۲). مصطلحات الفقه، تحقیق حمید احمدی الجلفایی، قم: موسسه دارالحديث العلمیه و الثقافیه.
۳۴. نراقی، ملا مهدی، (بی‌تا). جامع السعادات. ۲جلد، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۵. نجفی، محمدحسن، (۱۳۸۸-۱۳۶۵). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. ۴۳جلد، چاپ هشتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. نمازی، حسین، (۱۳۸۲). نظام‌های اقتصادی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۷. ورام، مسعود بن عیسی، (۱۳۷۸). تنبیه الخواطر و نزهه النوادر. ۲جلد، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه.